



مولفه های تدریس تاثیرگذار و اثر بخش در مقطع ابتدایی

سحر کاویانی فر^۱، معصومه نامنی^۲

دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم تربیت دانشگاه خواراسکان اصفهان، saharkavyanifar@chmail.ir

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ی مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سبزوار، manameni57@gmail.com

چکیده

امروزه با توجه به گذشت زمان زیادی از روش های اولیه ی تدریس در قدیم و پیشرفت جوامع بشری، نیاز مندی ما به دانش جدید بیشتر نمایان شده است. این تغییر ناشی از آگاهی بیشتر انسان ها به علوم و فنون است. روش های تدریس به کار گرفته شده توسط معلمان باید قدرت تفکر را در دانش آموزان قوت بخشد که این امر جز با ایجاد درگیری فکری در دانش آموزان محقق نخواهد شد. نظریه های بسیاری در مورد مفهوم تدریس بیان شده است که درون مایه همه این ها به دو مفهومی بودن تدریس اشاره دارد: مفهوم بسته؛ که معلم در کلاس همه کاره است و مفهوم باز؛ که میان معلم و دانش آموزان تعاملی دو طرفه وجود دارد. مهم ترین وظیفه معلم ایجاد شرایط یادگیری است و این خود نیاز به آگاهی از نحوه یادگیری دانش آموزان دارد. معلمان در ارائه محتوای کتب درسی از دو روش سنتی و فعال استفاده می کنند. معلمانی که دارای تدریس اثربخش هستند به گونه ای مناسب، اهدافی را که مستقیم یا غیر مستقیم با یادگیری دانش آموزان مرتبط است، دنبال می کنند و مهارت های مورد نیاز را جهت دستیابی به اهداف آموزشی به دست می آورند. از ویژگی های تدریس اثر بخش می توان به: آمادگی کامل، داشتن طرح درس، استفاده مناسب از شیوه های مناسب تدریس و اشاره کرد. لذا به منظور شناساندن و تبیین این شاخص آموزش و پرورش پویا (تدریس اثربخش) این مقاله تهیه و در این راه از کتب و منابع گوناگونی استفاده و استناد شده است.

کلید واژه ها : تدریس اثربخش، معلم اثربخش، آموزش و پرورش، یادگیری، اهداف آموزشی.

مقدمه

پیچیدگی رفتار انسان در کلاس و نقش آن در تحقق اهداف آموزشی از سال ها پیش توجه صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است باگذشت سال ها مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیده اند که دستیابی به اهداف آموزشی، زمانی امکان پذیر است . که منابع انسانی دانا، متخصص و با انگیزش کافی، بادر اختیار داشتن منابع لازم، هدایت ورهبری کلاس را به عهده بگیرد. معلمان در کلاس باید از فن رهبری در به کارگیری روش های صحیح در تحقیق اهداف آموزشی آگاه باشند تا استفاده از روش ها و فنون صحیح و مناسب نتایجی مطلوبی را عاید کنند. اگر باور داریم که جوامع بشری به طور مدام دستخوش تغییر و تحول است، باید قبول کرد که این تحولات ناشی از دگرگونی هایی است که در نظام آموزشی صورت می گیرد. در چنین جوامعی تنوع و پیچیدگی نیازها بیشتر گشته و برای ارضای این نیازها، به علوم و فنون پیچیده ترین نیاز است و بدیهی است که کسب علوم و فنون در سایه ی روش های پیچیده امکان پذیر خواهد بود، بنابراین وظیفه و مسئولیت معلمین روز به روز سنگین تر می گردد، چرا که روش های سنتی. متداول تدریس قادر به هدایت افراد به سوی یک تحول عمیق نخواهند بود.

حالا دیگر نباید باسخنرانی های طولانی و خسته کننده وبا تعیین تکالیف پیچیده ویا با تهدید واضطراب وتحقیر وسرزنش فراگیران، اسباب تفر ومدرسه گریزی را در آنان فراهم نمود. دیگر نمی توان با انتقال صرف معلومات به ذهن فراگیران آنان را به یادگیری حفضی وطوطی وار عادت داد، بلکه باید با آموزش چگونه آموختن وچگونه اندیشیدن، کیفیت تفکر را در آنان قوت بخشید اگر هدف از تدریس افزایش کیفیت تفکر در فراگیران باشد، دراین صورت آنها را بایستی به طور عملی درگیر جریان فکر کردن در کلاس های درسی نمود(فتحی آذر، ۱۳۷۶)

مفهوم تدریس

1. saharkavyanifar@chmail.ir

2. manameni57@gmail.com